

Cognitive Influence: A Futures Studies-Oriented Control

Mahdi Moghaddasi¹

Received: 23-05-2023

Accepted: 06-09-2023

Abstract

Influence is one of the most effective means of inflicting indirect harm by adversaries, capable of causing irreparable damage to the opposing side with minimal cost if successful. The physical and tangible aspect of influence refers to the infiltration of an agent into the rival's camp or the penetration of intelligence, political, or cultural forces into the adversary's domain. In contrast, soft influence focuses on non-physical, mental, and intangible dimensions. This concept targets the attitudes, beliefs, emotions, expectations, and preferences of the target society. Soft influence can therefore be defined as subtly shaping and affecting the behavior, thoughts, ideals, preferences, desires, and identity of others to achieve desirable outcomes without direct confrontation. Cognitive influence, a subset of influence and one of its most subtle and effective forms, involves inducing an individual to act according to the influencer's desires without the person realizing they have been persuaded. Futures studies serve as a powerful tool to counter cognitive influence by tracking, issuing warnings, and forecasting scenarios to neutralize cognitive influence and its consequences within decision-makers and society. It addresses this challenge across three domains—perceptual, attitudinal, and intellectual—by fortifying internal resilience. This research adopts a descriptive-analytical method, examining the characteristics of cognitive influence and the role of futures studies in mitigating its impact.

Keywords: Cognitive influence, Futures studies, Feeling, Tendency, Thought.

1. PhD Student in Political Sciences, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq (AS) University, Tehran, Iran mahdi.mmmj74@gmail.com

نفوذ شناختی؛ مهار آینده‌پژوهانه

مهملی مقدسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲

چکیده

نفوذ یکی از مؤثرترین راه‌های ضربه‌زدن غیرمستقیم دشمن است که در صورت موفقیت می‌تواند با کمترین هزینه خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به طرف مقابل تحمیل کند. وجه فیزیکی و عینی نفوذ، ناظر بر رخنه عامل نفوذی به اردوگاه رقیب یا رخنه نیروی اطلاعاتی یا سیاسی یا فرهنگی در حوزه طرف متخاصم است. در مقابل این گفتمان، نفوذ نرم طرح می‌شود که دال بر وجوه غیرفیزیکی، ذهنی و نرم‌افزاری است. از ویژگی‌های نفوذ در این گفتمان، هدف قرارگرفتن نگرش‌ها، باورها، عواطف، انتظارات و ترجیحات جامعه هدف است. بنابراین نفوذ نرم را می‌توان تأثیرگذاری بر رفتار، افکار، آرمان‌ها، ارجحیت‌ها، خواسته‌ها و هویت دیگران و شکل‌دهی به آن‌ها به صورت نامحسوس برای ایجاد نتایج مطلوب دانست. نفوذ شناختی، یکی از اقسام نفوذ و از مؤثرترین و نامحسوس‌ترین آن‌ها است، به گونه‌ای که در فرایند این نوع نفوذ، یک فرد دیگری را به کار دلخواه خود وامی‌دارد بدون آنکه شخص دوم احساس کند که وادار به کاری شده است. آینده‌پژوهی یکی از مؤثرترین سلاح‌های رویارویی با نفوذ شناختی است که می‌تواند از طریق رهگیری، اعلام هشدار و نیز پیش‌بینی سناریوها، نفوذ شناختی و ثمرات آن را در میان مسئولان و جامعه خنثی کند و در سه ساحت حسی، گرایشی و اندیشه‌ای و نیز از طریق تقویت داخل، این نوع از نفوذ را مهار کند. این تحقیق براساس روش توصیفی-تحلیلی است و با بررسی خاصیت نفوذ شناختی و دانش آینده‌پژوهی به کاربرد این دانش در مهار نفوذ شناختی می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: نفوذ شناختی، آینده‌پژوهی، احساس، گرایش، اندیشه.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران،

مقدمه

در طول تاریخ نزاع میان بشر، طرفین درگیری، از ابزارهای مختلفی برای ضربه‌زدن به حریف و تسلط بر او استفاده می‌کردند و یکی از مهم‌ترین شیوه‌ها که با وجود کم‌هزینه و خاموش بودن آن، تأثیر شگرفی در نتایج منازعه داشت، نفوذ در ساختار دفاعی، اطلاعاتی و سیاسی طرف مقابل بوده است. نفوذ یک کلان‌راهبرد است که برای تحقق آن باید از سیاست‌ها و برنامه‌های مختلفی استفاده کرد که در یک تقسیم‌بندی کلی به نفوذ سخت‌افزاری (فیزیکی) و نفوذ نرم‌افزاری تقسیم‌بندی می‌شود. در گذشته، عمده اشکال نفوذ، فیزیکی و سخت‌افزاری بوده است، بنابراین امکان مقابله با آن و رهگیری عامل نفوذی تا حدی فراهم بوده و ساختارهای مقابله با آن در حکومت‌های مختلف شکل می‌گرفت. اما در عصر امروز، نفوذ نرم‌افزاری بیشتر در دستورکار دولت‌ها و گروه‌های مختلف است؛ زیرا اول تأثیر آن بسیار بنیادی و عمیق‌تر است، دوم رهگیری آن بسیار سخت و سوم مقابله با آن بسیار سخت و پیچیده است. نفوذ شناختی (معرفتی) یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نفوذ نرم‌افزاری است که در سه ساحت حسی، گرایشی و اندیشه‌ای مخاطب تأثیر می‌گذارد و القائاتی را به جامعه هدف منتقل می‌کند که این جامعه، بدون آنکه متوجه شود خواسته‌های دشمن را عملی می‌سازد. با پیچیده‌شدن ابزارهای نفوذ، راه‌های مقابله با آن نیز توسعه یافته است و یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با نفوذ شناختی که از پیچیده‌ترین و مؤثرترین انواع نفوذ است، توجه به خاصیت‌های آینده‌پژوهی برای این امر است. آینده‌پژوهی به‌عنوان یک پژوهش میان‌رشته‌ای می‌تواند به‌صورت فعالانه ابزارهایی را برای مقابله با نفوذ شناختی در اختیار قرار دهد. به‌عبارت‌دیگر، استفاده از دانش آینده‌پژوهی و ابزارهای آن می‌تواند این امکان را فراهم کند تا مسیر نفوذ شناختی آشکار و ضمن شناسایی تأثیرات آن، راه‌های مقابله با آن نیز طراحی شود.

اهمیت این پژوهش از این حیث است که نفوذ شناختی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شود؛ بنابراین نیاز است تا به‌خوبی انواع آن و تأثیرات آن و نیز راه‌های مقابله با آن از قبل مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. ضرورت توجه به این موضوع نیز از این جهت است که ناآشنایی با نفوذ شناختی، درگیری‌های آینده با دشمن را دچار چالش و پیچیدگی بیشتر می‌کند.

سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که آینده‌پژوهی چگونه می‌تواند در جهت مقابله با نفوذ شناختی، نقش‌آفرینی کند. بنابراین لازم است پیش‌تر به این پرسش پرداخته شود که نفوذ

شناختی چه ساحت‌هایی می‌تواند داشته باشد. هدف مقاله نیز ارائه راهکاری برای مقابله با نفوذ شناختی از طریق توجه به خاصیت‌های دانش آینده‌پژوهی است. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با بررسی خاصیت نفوذ شناختی و دانش آینده‌پژوهی، به کاربرد این دانش در مهار نفوذ شناختی می‌پردازد.

مبانی نظری

نفوذ در لغت به معنای اثرکردن، تأثیرکردن (معین، ۱۳۶۰، ج ۴، ص. ۳۷۷۸)، راه‌یافتن به جایی یا در میان گروهی برای دستیابی به هدفی، توانایی قبولاندن امری بر کسی یا در جایی (انوری و همکاران، ۱۳۸۱، ج ۸، ص. ۷۹۰۲) آمده است. معادل لاتین نفوذ نیز واژه‌های *Influence* و *Penetration* به معنای رخنه و تأثیر است (حییم، ۱۳۷۱، ج ۲، ص. ۱۰۹۸). معنای اصطلاحی نفوذ تا حد زیادی به مفهوم لغوی آن نزدیک است. مجموعه تعاریف نفوذ را می‌توان در چارچوب دو گفتمان سخت و نرم مورد بررسی و کاوش قرار داد؛ گفتمان سخت دلالت بر ماهیت سلبی و سخت‌افزارانه دارد (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص. ۷). از ویژگی‌های این گفتمان فیزیکی و مشاهده‌پذیر بودن آن است؛ وجه فیزیکی و عینی نفوذ، ناظر بر رخنه عامل نفوذی به اردوگاه رقیب یا رخنه نیروی اطلاعاتی یا سیاسی یا فرهنگی در حوزه طرف متخاصم است (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص. ۳۱۳). در مقابل این گفتمان، نفوذ نرم مطرح می‌شود که دال بر وجوه غیرفیزیکی، ذهنی و نرم‌افزاری است (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص. ۸) از ویژگی‌های نفوذ در این گفتمان هدف قرارگرفتن نگرش‌ها، باورها، عواطف، انتظارات و ترجیحات جامعه هدف است (امام‌خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۷۸/۲/۲۸). بنابراین نفوذ نرم را می‌توان تأثیرگذاری بر رفتار، افکار، آرمان‌ها، ارجحیت‌ها، خواسته‌ها و هویت دیگران و شکل‌دهی به آن‌ها به‌صورت نامحسوس برای ایجاد نتایج مطلوب دانست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۰). در مجموع می‌توان گفت نفوذ به وضعیتی اطلاق می‌شود که شخصی (یا گروهی) بتواند بینش، عواطف و کنش دیگران را تغییر دهد و در مسیری که خود می‌خواهد قرار دهد (نصیری و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۴۳). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در تبیین کلی معنای نفوذ می‌فرمایند:

«نفوذ دو جور است: یک نفوذ موردی است، نفوذ فردی است، یک نفوذ جریانی است. نفوذ موردی خیلی نمونه دارد، معنایش این است که فرض کنید شما یک دم‌دستگاهی دارید، یک مسئولی هستید؛ یک نفر را با چهره آرایش‌شده، بزک‌شده، با ماسک در مجموعه شما بفرستند؛ شما

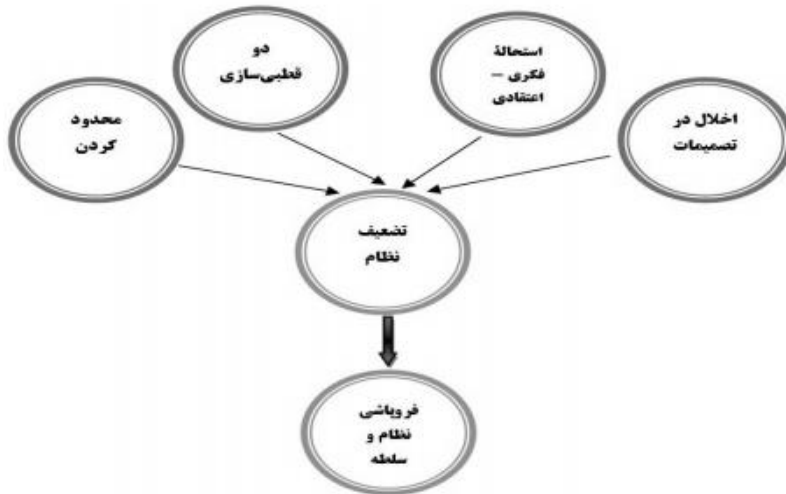
خیال کنید دوست است، درحالی که او دوست نیست، تا او بتواند کار خودش را انجام بدهد؛ گاهی جاسوسی است که این کمترینش است؛ یعنی کم‌اهمیت‌ترینش جاسوسی است، خبرکشی و خبردهی است؛ گاهی کارش بالاتر از جاسوسی است، تصمیم شما را عوض می‌کند. شما یک مدیری هستید، یک مسئولی هستید، تصمیم‌گیر هستید، می‌توانید یک حرکت بزرگ یا مؤثری انجام بدهید، اگرچنانچه این حرکت را این‌جور انجام بدهید، این به نفع دشمن است، او می‌آید کاری می‌کند که شما حرکت را این‌جور انجام بدهید؛ یعنی تصمیم‌سازی. در همه دستگاه‌ها سابقه هم دارد؛ فقط هم دستگاه‌های سیاسی نیست، دستگاه‌های روحانی و دینی و مانند اینها هم همیشه وجود داشته. ... منتها از این خطرناک‌تر، نفوذ جریانی است. نفوذ جریانی، یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت؛ به‌وسیله پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن می‌شود. عمده‌ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه‌های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که می‌توانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشاند به آن سمت موردنظر خودشان. آن سمت موردنظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت‌تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه می‌کند - البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد - همان‌جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی‌رتبه سیا تشخیص می‌دهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه‌ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. اگر این نفوذ نسبت به اشخاصی انجام بگیرد که اینها در سرنوشت کشور، سیاست کشور، آینده کشور تأثیری دارند، شما ببینید چه اتفاقی می‌افتد؟ آرمان‌ها تغییر پیدا خواهند کرد، ارزش‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، خواست‌ها تغییر پیدا خواهد کرد، باورها تغییر پیدا خواهد کرد» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۴/۰۹/۰۴).

البته نفوذ فکری و فرهنگی لزوماً مذموم نیست و یک تفکر عقلانی و متناسب با فطرت بشر، می‌تواند در میان ملل مختلف گسترش یابد بدون آنکه قدرت مبدأ آن، از جاسوسی یا تجهیزات خاصی استفاده کند و این مورد در صدور انقلاب اسلامی ایران و تأثیرپذیرفتن ملل مختلف به‌ویژه

مسلمانان منطقه مشاهده می‌شود. باین‌حال برداشت عمده و اصلی از نفوذ، تلاش قدرت‌های استکباری برای رخنه و تسلط بر کشورهای دیگر از راه‌های محسوس یا نامحسوس است؛ به‌گونه‌ای که با کمترین هزینه و بدون ایجاد حساسیت، کنترل فکری و فرهنگی طرف مقابل را به دست گیرند و همچنین به‌راحتی به اطلاعات موردنیاز خود دسترسی داشته باشند. باتوجه‌به تعریف بالا، نفوذ یک کنشگر خارجی در یک محیط داخلی، از حیث محسوس بودن، درجات مختلفی دارد و همه شیوه‌های نفوذ به یک میزان محسوس و همچنین مؤثر نیستند. نفوذ شناختی که یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های نفوذ نرم است، به‌نوعی از پایین‌ترین درجه حسی برخوردار است؛ بنابراین رهگیری آن را به‌شدت سخت و دشوار می‌کند.

نفوذ شناختی، یکی از اقسام نفوذ و از مؤثرترین و نامحسوس‌ترین آن‌ها است؛ به‌گونه‌ای که در فرایند این نوع نفوذ، یک فرد، دیگری را به کار دلخواه خود وامی‌دارد بدون آنکه شخص دوم احساس کند که وادار به کاری شده است. تحولات در فناوری ارتباطی جدید، موجب دگرگونی در محیط راهبردی نفوذ شده و درحال‌حاضر، این محیط از فضای عین به فضای ذهن و فضای مجاز گسترش یافته است و منطق جریان اعمال قدرت و نفوذ، از زور و اجبار آشکار به اغوا، اقناع و ارضا جابه‌جا شده است (بالدوین، ۲۰۰۳، ص ص. ۱۷۷-۱۹۱). بر اثر این تحول، توانایی بازیگران قدرت برای نفوذ به‌طرز شگرفی افزایش پیدا کرده است. عصر نرم‌افزارگرایی بستر گسترده‌ای برای نفوذ شناختی ایجاد کرده است؛ به‌گونه‌ای که همه مراکز و نقاط حساس، تأثیرگذار و تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی و دفاعی، احزاب، تشکل‌ها، جریان‌ها، جمعیت‌ها، کانون‌ها، محفل‌ها، مؤسسه‌های اندیشه، فرهنگی- هنری، مراکز آموزشی و پژوهشی، رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها، مطبوعات، حوزه‌های نشر و...، به‌عنوان محیط‌های راهبردی نفوذ به‌ویژه نفوذ شناختی تلقی می‌شوند. مخاطب نفوذ شناختی طیفی از افراد عادی تا استاد دانشگاه، هنرمند، نویسنده، روشن‌فکر، طلبه، روزنامه‌نگار، ناشر، مترجم و مسئولان مختلف نظام سیاسی است (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص. ۱۴). باتوجه‌به گستردگی ابزار، مخاطب و شیوه‌های نفوذ شناختی، اهداف آن نیز فراوان است. جاسوسی و جمع‌آوری اطلاعات، تأثیرگذاری و هدایت تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران برای اتخاذ تصمیمات و خط‌مشی‌ها و راهبردهای دلخواه و موردعلاقه بازیگران نفوذ، جریان‌سازی، اختلاف‌انگیزی و دامن‌زدن به دودستگی، دوقطبی و ایجاد حاکمیت دوگانه درون ملت، جامعه و جریان‌های سیاسی، همراه‌سازی شخصیت‌های مؤثر در

کشورهای مخالف، ذخیره‌سازی افراد در مراکز حساس و استفاده در شرایط خاص از جمله این اهداف هستند. در نمودار ذیل، اهداف نفوذ شناختی قابل مشاهده است.



نمودار ۱. اهداف نفوذ شناختی (نصیری، نظامی‌پور، رشیدی‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۴۹)

همان‌طور که در این نمودار مشاهده می‌شود، نفوذ شناختی دارای سه مرحله از اهداف متفاوت است. این اهداف که می‌توان آن‌ها را به لحاظ زمانی، به سه دسته کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد، در نهایت به فروپاشی و سقوط نظام سیاسی یک کشور می‌انجامد.

روش پژوهش

روش به‌کاررفته در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و با بررسی خاصیت نفوذ شناختی و دانش آینده‌پژوهی، به کاربرد این دانش در مهار نفوذ شناختی می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

با وجود اینکه غایت الگوهای نفوذ در فضای واقعی، متأثرکردن ذهن طرف مقابل است، اما نفوذ شناختی محدود به فضای واقعی نیست، بلکه بیش‌ازآن، در فضای ذهن به‌عنوان محیط راهبردی مستقل عمل می‌کند (افتخاری، ۱۳۹۱، ص. ۶۲). همه باورها، افکار، اندیشه‌ها، شناخت‌ها، نگرش‌ها، عواطف، احساسات، هیجانات، گرایش‌ها، ترجیحات، ذائقه‌ها، محاسبات، ادراکات، اراده‌ها و عزم‌ها، نیات و مقاصد، خواسته‌ها و نیازها، ارزیابی‌ها و قضاوت‌ها، جزئی از فضای ذهنی

هستند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵) که می‌توان آن‌ها را در سه دسته کلی حسی، گرایشی و اندیشه‌ای تقسیم‌بندی کرد.

دامنه و عمق نفوذ، به گستره کمی و کیفی مجاری ارتباطی نفوذگر و نفوذشونده بستگی دارد. ارتباطات بیشتر، نفوذ بیشتر را در بر دارد و در ارتباطات محدودتر، نفوذگر هم کمتر امکان نفوذ می‌یابد. فضای مجازی و فناوری‌های ارتباطی جدید، الگوهای ارتباطات سنتی را دگرگون کرده و منجر به تحول در گستره ارتباط انسان‌ها در اقصی نقاط جهان و تحول کیفی در نحوه ارتباط انسان‌ها با یکدیگر شده است. از این رو، قدرت مجازی، این توانایی را به بازیگران داده است که می‌توانند فضای ذهنی همه آحاد جامعه و فضای روانی کل جامعه را در آماج نفوذ و تأثیرگذاری خود قرار دهند. اگر در گذشته، افراد، شخصیت‌ها و اقشار خاصی در معرض نفوذ نرم قرار داشتند، اکنون به واسطه قدرت مجازی، هیچ فردی از جامعه هدف در عملیات نفوذ مبتنی بر قدرت نرم و مجازی، از نظر دور نیست. امروزه فضای مجازی محتوای فکر و زندگی غالب افراد جامعه شده است؛ تا جایی که می‌تواند به همه باورها، نگرش‌ها، ادراکات حسی، ذوقی و ذائقه‌ای و الگوهای رفتاری جهت دهد، آن‌ها را تعریف کند و به‌طور کلی تمام ابعاد زندگی را متأثر سازد و تحت نفوذ گیرد (باقری چوکامی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵-۱۶).

حسی

از جمله نفوذهای حسی شناختی که از سوی دشمن در جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است، می‌توان به رواج احساس بدبینی و ناامیدی نسبت به آینده کشور اشاره کرد. همچنین با استفاده از رسانه و شبکه‌های اجتماعی، سعی در از بین بردن حس نفرت از رژیم صهیونیستی و سردمداران آمریکایی دارند و به‌نوعی، نگاه خنثی و بی‌اهمیتی نسبت به این رژیم‌ها را ترویج می‌کنند.

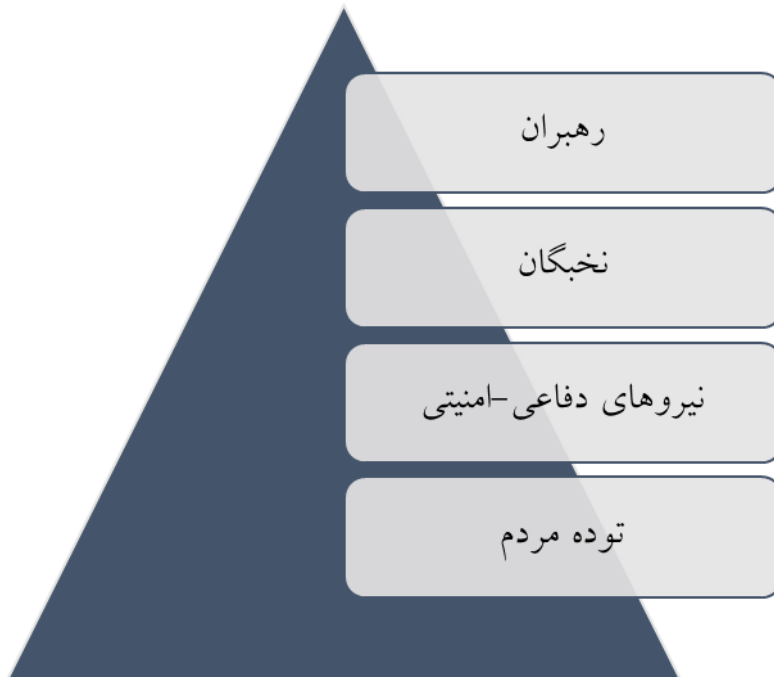
گرایشی

نفوذ گرایشی شناختی، مرتبط با روحيات، اخلاق و امیال مخاطبان است و تغییر ذائقه یا روحیه مردم به‌طور عمومی یا بخش خاصی از جامعه، از جمله اهداف این نفوذ است. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر دشمن سعی کرده است با ادبیات فریبنده و برخی از فیلم‌ها و کتاب‌ها، روحیه مقاومت، ایستادگی و بالاتر از همه شهادت را زیر سؤال ببرد و با استفاده از تعبیری همچون صلح‌جویی و تعامل، گرایش به مبارزه با ظلم و تعدی را کاهش دهد.

اندیشه‌ای

آخرین و مؤثرترین شکل نفوذ شناختی، نفوذ اندیشه‌ای است؛ به گونه‌ای که به شکل بنیادین، مبانی فکری و فرهنگی جامعه و به‌ویژه نخبگان، در جهت اهداف دشمن تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال، عَلم کردن نظریهٔ جمهوریت در مقابل جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب تا کنون و به شکل‌های مختلف، یکی از این موارد است.

ماجرای جیسون رضائیان یکی از مهم‌ترین موارد نفوذ شناختی بود؛ زیرا این فرد توانسته بود به‌عنوان روزنامه‌نگار با برخی از روزنامه‌های ایران همکاری کند و شبکه نفوذ خود را به میزانی گسترش دهد که تا افاق رئیس‌جمهور ورود کند. همچنین در جریان مذاکرات هسته‌ای، عده‌ای با نفوذ سعی کردند تا ذهنیت مسئولان را به میزان زیادی در جهت اهداف طرف مقابل تغییر دهند. باتوجه‌به آنچه در رابطه با نفوذ شناختی گذشت، می‌توان هرم مخاطبان این نوع از نفوذ را به‌صورت ذیل شناسایی کرد:



یافته‌های پژوهش

آینده‌پژوهی یکی از رشته‌های علمی است که علی‌رغم قدمت طولانی آن در استفاده انسانی، مطالعات جدید آن سابقه طولانی ندارد و علمی نوپا محسوب می‌شود. از طرف دیگر، تعاریف متعددی از این رشته ارائه شده است و تا کنون تعریف جامع و مانعی از آن وجود ندارد؛ اما با تسامح و در تعریف مختار می‌توان گفت: آینده‌پژوهی، پژوهش به منظور شناخت احتمالات و مؤلفه‌های کلیدی آینده، تصویرسازی از آینده‌های مطلوب و ارائه تجویزهای کارآمد برای تعیین اقدامات موردنیاز برای رسیدن به آینده مطلوب و ترسیم چشم‌انداز آرمانی است (پدram و احمدیان، ۱۳۹۴، ص. ۱۹).

باتوجه به تعریف بالا از آینده‌پژوهی و کارکرد آن در شناساندن سناریوها و احتمالات مختلف آینده و تلاش برای توصیه و ارائه راهکار برای رسیدن به آینده مطلوب، می‌توان از این رشته علمی برای رویارویی با نفوذ شناختی بهره گرفت. همان‌طور که محیط عملکرد نفوذ شناختی فضای ذهنی است و احساس، گرایش و اندیشه مخاطبان خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آینده‌پژوهی نیز در این ساحت‌ها می‌تواند امکان رویارویی با نفوذ شناختی و مهار آن را ایجاد کند. اما آینده‌پژوهی علاوه بر آن می‌تواند با ترسیم آینده مطلوب، سناریوهای تقویت داخلی را ارائه کند تا به‌طور کلی نفوذ شناختی در هر ساحتی توان عمل نداشته باشد.

رویارویی در برابر نفوذ شناختی بدین‌گونه خواهد بود که با استفاده از علم آینده‌پژوهی، در مرحله اول نفوذ شناختی در هر ساحتی رهگیری شود، یعنی سرمنشأ یک احساس یا روحیه یا اندیشه خاصی که مغایر با جامعه اسلامی بوده و به‌نوعی بدیع است جست‌وجو و یافت شود. در مرحله بعدی، آینده‌پژوهی باید بتواند با استفاده از روش‌های خود، سناریوهای موجود در خصوص ثمرات این نفوذ را تبیین کند و در قالب هشدار ارائه دهد. همچنین این امکان برای آینده‌پژوهی وجود دارد که راه‌های انسداد نفوذ شناختی را در هر مرحله که باشد، ارائه کند؛ زیرا این علم از یک نگاه گسترده و بالاب‌پایین برخوردار است که امکان فهم و ردیابی عناصر مرتبط به هم را ایجاد می‌کند.

حسی

یکی از مهم‌ترین کارویژه‌های نفوذ شناختی، تغییر احساسات مردم یا مسئولان است. در سال‌های اخیر، تمرکز بر ناامیدی از آینده کشور و یأس از بهبود شرایط، از طریق ابزارهای مختلفی

در میان جامعه و کارگزاران کشور شیوع پیدا کرده است؛ به نحوی که رهبر معظم انقلاب نیز بارها در سخنرانی‌های خود به این مسئله اشاره فرموده و مؤیداتی را درخصوص آینده درخشان نظام اسلامی بیان کرده‌اند. باتوجه به این مسئله، آینده‌پژوهی این امکان را به پژوهشگران و رسانه‌ها می‌دهد که براساس گذشته و دوران حاضر جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل، آینده را کاملاً واقع‌بینانه و براساس سنت‌ها و وعده‌های الهی ترسیم و تصویر کنند و از ایجاد حس ناامیدی در میان مسئولان و مردم جلوگیری به عمل آورند.

گرایشی

حوزه دوم تأثیرگذاری نفوذ شناختی، گرایش‌ها و به‌نوعی روحیات مردم و مسئولان جامعه است؛ بدین نحو که دشمن با استفاده از ابزارهای علمی، رسانه‌ای و... خود سعی می‌کند در وهله اول گرایش‌های صحیح را نادرست جلوه دهد و در مرحله بعد روحیه و گرایش مسئولان و مردم را به سمت آنچه خود می‌پسندند سوق دهد. در این بُعد، آینده‌پژوهی می‌تواند به‌مثابه بازی شطرنج، اقدامات دشمن را حدس زده و هرگونه تغییر و تحول روحی و اخلاقی را در میان مردم و مسئولان رهگیری و سناریوهای مختلف را درخصوص هرگونه تغییر و ثمرات آن پیش‌بینی کند. به‌عنوان مثال، گرایش به نگهداری حیوانات خانگی و بی‌تمایلی به فرزندآوری، یکی از مهم‌ترین تحولات روحی است که از چند سال پیش، توسط دشمن از طریق نفوذ شناختی آغاز شده است و در این مورد آینده‌پژوهی می‌تواند ثمرات این تحول در چند سال آینده را پیش‌بینی و راهکارهای رویارویی با آن را ارائه کند.

اندیشه‌ای

سومین و آخرین حوزه نفوذ شناختی، نفوذ در افکار و اندیشه مسئولان و مردم است که درنهایت منجر به تحولات بنیادین در عرصه فکر و فرهنگ و هنر و به‌طورکلی تمدن جامعه می‌شود. تغییر در شیوه تفکر و جهت‌گیری فکری می‌تواند آخرین تیر دشمن باشد که بنیان یک جامعه را از بین ببرد و عقبه فرهنگی آن را برای نسل جدید ویران کند. آینده‌پژوهی در ساحت اندیشه می‌تواند مروجان اندیشه غلط در میان مسئولان و جامعه را -که می‌تواند کتاب، رسانه، فرد یا یک جریان باشد- رهگیری و سناریوهای اشاعه اندیشه غلط را پیش‌بینی کند و نسبت به آن هشدار دهد. به‌عنوان مثال، شیوع تفکر لزوم سازش و تعامل با تمام دنیا ازجمله آمریکا و رژیم صهیونیستی، در مخالفت با تفکر استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان عالم است و تکرار آن

توسط برخی مسئولان و نیز چهره‌های علمی و رسانه‌ای، بیانگر یک نفوذ شناختی گسترده در این موضوع در کشور است.

تقویت داخل

آینده‌پژوهی می‌تواند پیش‌بینی کند که احتمال دارد دشمن در چه موضوعی و در چه ساحاتی نفوذ شناختی را در دستورکار خود قرار دهد؛ بنابراین پیش از آنکه اقدامی از سوی دشمن صورت گیرد، با تقویت مواضع داخلی، راه‌های نفوذ بسته خواهد شد. به‌عنوان مثال، باتوجه‌به اینکه آمریکا و اذتاب آن در جهان و به‌ویژه منطقه، ضربه‌های سنگینی را در حین حیات و پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی متحمل شدند، بنابراین درصدد خواهند بود به‌تدریج چهره این شهید بزرگوار را در ایران و منطقه با ابزارهای رسانه‌ای و نیز اشخاص مؤثر و متنفذ تغییر دهند و اقدام به تحریفی بزرگ کنند. آینده‌پژوهی باید تمام راه‌های موجود برای این اقدام خصمانه را حدس بزند و برای رویارویی با آن و تقویت جبهه داخلی راهکار ارائه کند.

جمع‌بندی و پیشنهاد

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی به همراه متحدان منطقه‌ای خود درصدد ضربه‌زدن به نظام اسلامی برآمده و راه‌های گوناگونی را امتحان کرده‌اند. یکی از این مسیرها، نفوذ بود که به‌ویژه آنگاه که راه‌های دیگر خنثی می‌شد، دشمن بر آن بیشتر تمرکز می‌کرد. نفوذ شناختی که در گفتمان قدرت نرم قرار گرفته و بسیار ناملموس است، از مؤثرترین راه‌های نفوذ است و بدون آنکه اتهامی متوجه کسی باشد، تأثیرگذاری شگرفی بر جامعه اسلامی دارد. به‌عنوان مثال، احساس ناامیدی نسبت به آینده یا تغییر روحیه جهادی و یا تمرکز بر سازش برای حل مشکلات به‌جای توکل و اقدام جهادی، از جمله مصادیق نفوذ شناختی است که از طریق رسانه‌ها، اشخاص یا جریان‌های مؤثر، کتاب و فضای مجازی، در میان مسئولان و جامعه اشاعه پیدا کرده است. توجه به آینده‌پژوهی و خاصیت‌های آن یکی از مهم‌ترین راهکارهای رویارویی با نفوذ به‌ویژه نفوذ شناختی است؛ زیرا با استفاده از این علم می‌توان پیش‌بینی کرد دشمن قصد دارد اول با چه شیوه‌ای ضربه بزند و دوم از چه ابزاری استفاده خواهد کرد. همچنین درصورت اقدام دشمن، آینده‌پژوهی می‌تواند نفوذ شناختی را رهگیری و سرمنشأ آن را شناسایی کند و از طرف دیگر، سناریوهای محتمل درصورت تأثیرگذاری نفوذ شناختی را پیش‌بینی و هشدارهای لازم را در کنار راهکارهای جلوگیری از آن ارائه کند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). الگوی جنگ روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران: رویکرد فرهنگی. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
- انوری، حسن و همکاران (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. ج ۸، تهران: سخن.
- آقابخش، علی‌اکبر و افشاری‌راد، مینو (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- باقری‌چوکامی، سیامک (۱۳۹۶). نفوذشناسی در عصر نرم‌افزارگرایی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، ۱۰ (۳۵)، ۳۶-۵.
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای. قابل دسترسی در khamenei.ir
- علیدوستی، قاسم (۱۳۹۰). رهیافت سطح‌شناختی در مطالعه اهداف جنگ نرم. راهبرد فرهنگ، شماره شانزدهم.
- حمیم، سلیمان (۱۳۷۱). فرهنگ بزرگ فارسی-انگلیسی. جلد ۲، تهران: فرهنگ معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). مفهوم‌شناسی نفوذ. تهران: دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام).
- معین، محمد (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی. جلد ۴، تهران: امیرکبیر.
- نصیری، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۹۷). نفوذ پسابرجامی در نیروهای مسلح و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، ۷ (۲۵)، ۴۱-۶۲.

ب) منابع انگلیسی

- Baldwin, D. (2003). "Power and International Relations", in: W. Carlsnaes and et al. (eds). Handbook of International Relations, London, Sage, p.177-191.

